

امنیت از درون یا بحران از بیرون؟ روایت ایران از آینده غرب آسیا

وزیر خارجه ایران نوشت: آینده غرب آسیا در پایتخت‌های خارجی رقم نخواهد خورد بلکه به دست ملت‌های منطقه، از طریق چارچوب‌هایی که بازتاب دهنده تاریخ، فرهنگ و اراده جمعی آنان باشد، نوشته خواهد شد.

به گزارش سایت خبری پُرسون، «سید عباس عراقچی» وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، در مقاله‌ای تحت عنوان «ساختن واقعیتی نوین برای منطقه: به سوی ثبات حاکمیت و همبستگی در غرب آسیا» نوشت: منطقه غرب آسیا در حال گذر از دوره‌ای با ناپایداری عمیق است که تحت تأثیر بحران‌های در هم تنیده و فشارهای فزاینده شکل گرفته است. این منطقه با درهم تنیدگی پیچیده‌ای از بی‌ثباتی ژئوپلیتیکی، ناامنی مزمن و بحران‌های انسانی رو به وخامت مواجه است.

دهه‌ها نزاع حل نشده که با مداخلات خارجی و آسیب‌های زیست محیطی شدت یافته‌اند، میلیون‌ها انسان را آواره کرده و افق‌های روشن را تیره ساخته است. کمبود آب ناشی از تغییرات اقلیمی، همراه با سوءمدیریت منابع، بنیان زندگی را در بسیاری از کشورها با تهدید مواجه کرده است. در همین حال، بحران فزاینده پناهمجویان که از جنگ‌ها و فروپاشی اقتصادی ناشی می‌شود، فشار مضاعفی بر منطقه وارد کرده و پیامدهای انسانی را در سطح جهانی به دنبال داشته است.

پشت این چالش‌های آشکار، لایه‌ای عمیق‌تر از رنج‌های تاریخی و گسست‌های سیاسی نهفته است. روابط میان دولت‌ها که سال‌ها زیر سایه روایت‌های تحمیلی خارجی شکل گرفته‌اند، مسیر دستیابی به راه‌حل‌های پایدار و جمعی را سد کرده‌اند.

نظم پایدار منطقه‌ای باید از درون بجوشد

در بسیاری از موارد، بازیگران منطقه‌ای به جای تأثیرگذاری بر روند تحولات، صرفاً به بحران‌ها واکنش نشان داده‌اند. در نتیجه، واقعیتی شکل گرفته که بیشتر تحمیل‌شده می‌نماید تا برخاسته از اراده جمعی و بیشتر، محصول دیکته‌های بیرونی است تا نتیجه گفت‌وگو و تصمیم‌سازی مشترک.

برای ترسیم مسیری نو، منطقه باید از ایستارهای فرسوده و پیش‌فرض‌های وارداتی که دیگر بازتاب‌دهنده آرمان‌های مردمش نیستند، عبور کند. نظم پایدار منطقه‌ای باید از درون بجوشد و مبتنی بر شناسایی متقابل، گفت‌وگوی فراگیر و مسئولیت‌پذیری مشترک شکل بگیرد. این دگرگونی نه صرفاً آرمان گرایانه، بلکه ضرورتی سیاسی و اجتماعی است. واقعیت چه در غرب آسیا و چه در دیگر نقاط جهان امری ایستا نیست، بلکه از دل کنشگری، اجماع و آینده‌نگری ساخته می‌شود.

اکنون زمان آن فرا رسیده که دولت‌های غرب آسیا مالکیت آینده مشترک خود را بازپس گیرند، با ورود به گفت‌وگویی اصیل و طراحی چارچوب‌هایی برخاسته از بطن منطقه، می‌توانند سرانجام از چرخه تکراری منازعات عبور کرده و به سوی افقی حرکت کنند که بر پایه کرامت، پایداری و صلح بنا شده است.

در پاسخ به این ضرورت تحول، جمهوری اسلامی ایران بر این باور است که چالش‌های امنیتی در غرب آسیا به هم پیوسته و به طور ذاتی میان کشورهای منطقه مشترک‌اند، چه در مقابله با تروریسم، مهاجرت ناشی از تغییرات اقلیمی، تهدیدات سایبری یا شکنندگی اقتصادی، هیچ کشوری از سرنوشت همسایگان خود جدا نیست. بنابراین، شکل‌گیری چارچوبی جمعی مبتنی بر احترام متقابل، عدم مداخله و مالکیت منطقه‌ای نه یک انتخاب، بلکه یک الزام حیاتی است.

امنیت منطقه‌ای نباید به‌عنوان یک بازی جمع صفر نگرسته شود

قدرت‌های خارجی بارها تلاش کرده‌اند الگوهای امنیتی از بالا به پایین را بر منطقه تحمیل کنند؛ الگوهایی که ظرافت‌های اجتماعی و سیاسی غرب آسیا را نادیده می‌گیرند. در طول تاریخ، محدود قدرت‌های خارجی توانسته‌اند نقشی پایدار یا واقعا سازنده در ثبات این منطقه ایفا کنند. در واقع، راه‌حل‌های طراحی شده در خارج معمولاً بازتاب دهنده محاسبات راهبردی پایتخت‌های دوردست‌اند، نه واقعیت‌های زیسته مردم در تهران، بغداد، ریاض یا دمشق.

تجربه نشان می‌دهد چنین رویکردهایی در بهترین حالت، صلحی شکننده پدید می‌آورند و در بدترین حالت، به بی‌ثباتی بلندمدت دامن می‌زنند. مردم منطقه بهای سیاست‌هایی را پرداخته‌اند که بدون رضایت یا مشارکت آنان تدوین شده‌اند.

در این راستا، ایران همواره خواستار بهره‌گیری از سازوکارهای فراگیر و برخاسته از درون منطقه برای مواجهه با چالش‌های غرب آسیا بوده است. ما بر این اصل تاکید داشته‌ایم که امنیت منطقه‌ای نباید به عنوان یک بازی جمع صفر نگرسته شود، بلکه باید آن را تلاشی مشترک و مبتنی بر همکاری دانست.

ایران بر این باور است که هیچ کشوری نمی‌تواند در همسایگی‌ای گرفتار جنگ، تحریم و فرقه‌گرایی به شکوفایی واقعی دست یابد. بر همین اساس، ما خواهان تغییر بنیادین در رویکردهای رایج و حرکت به سمت الگوی بومی و منطقه محور هستیم که توسعه جمعی را بر تداوم ساختارهای مبتنی بر تهدید مقدم بدارد.

خلیج فارس که مدت‌ها به عنوان نقطه‌ای بحرانی در معادلات جهانی شناخته می‌شد، امروز می‌تواند به سنگ بنای دوره‌ای نوین از تنش‌زدایی و همگرایی تبدیل شود. تعهد جمهوری اسلامی ایران به دیپلماسی سازنده در این حوزه، بر پایه پیشنهادهای تاریخی‌اش استوار است؛ از جمله گفت‌وگوی تمدن‌ها، ابتکار «جهان علیه خشونت و افراط گرایی» (WAVE) و طرح صلح هرمز (HOPE). این چارچوب‌ها بر میراث مشترک، امنیت جمعی و نقش محوری گفت‌وگو در حل‌وفصل اختلافات تأکید دارند.

در این چارچوب، ایران از گام‌های اخیر از جمله سند چشم‌انداز امنیتی شورای همکاری خلیج فارس در سال ۲۰۲۴ استقبال می‌کند؛ سندی که بر اصولی چون حاکمیت، عدم مداخله و همکاری چندجانبه تأکید دارد. هرچند اختلافاتی همچنان باقی است، اما این سند نشان می‌دهد که کشورهای منطقه نیز به وابستگی متقابل خود و ضرورت شکل‌گیری یک سازوکار امنیتی مشترک اذعان کرده‌اند. تهران این گام را پایه‌ای برای دستیابی به نظم منسجم در حوزه امنیت منطقه‌ای می‌داند.

ثبات واقعی مستلزم توسعه فراگیر، احترام متقابل و تعهد به رفاه مشترک است

پیام جمهوری اسلامی ایران به جامعه جهانی روشن است: صلح پایدار در غرب آسیا تنها با توانمندسازی بازیگران منطقه‌ای قابل تحقق است. تضمین‌های امنیتی گزینشی یا چارچوب‌های صلحی که به عنوان ابزار فشار به کار گرفته می‌شوند، کارساز نخواهند بود.

ثبات واقعی مستلزم توسعه فراگیر، احترام متقابل و تعهد به رفاه مشترک است. ایران خود را نه به عنوان یک قدرت هژمون بلکه به عنوان کشوری نیرومند در کنار همسایگانی نیرومند می‌بیند که در بافتی مقاوم و درهم تنیده از همکاری‌های منطقه‌ای جای گرفته‌اند. نمونه‌هایی مانند عراق و عمان نشان دهنده ارزش دیپلماسی برخاسته از درون منطقه هستند، تلاش‌های این کشورها در میانجیگری اختلافات ثابت کرده است که بازیگران منطقه‌ای، زمانی که توانمند شوند، قادرند بدون اتکا به میانجیگری خارجی، اختلافات را حل کرده و اعتماد متقابل ایجاد کنند.

ایران همچنان برای همکاری‌های بین‌المللی در زمینه‌هایی چون تاب‌آوری در برابر تغییرات اقلیمی، زیرساخت‌های دیجیتال، بهداشت و توسعه پایدار آمادگی دارد اما چنین همکاری‌هایی باید بر پایه برابری و احترام متقابل بنا شود. همکاری‌های مشروط که در خدمت تحمیل تبعیت سیاسی قرار می‌گیرند؛ با نظم منطقه‌ای مبتنی بر حاکمیت ملی و استقلال کشورها هم‌خوانی ندارد.

همگرایی منطقه‌ای یک انتخاب نیست، بلکه یک ضرورت است. تخریب محیط زیست، به ویژه تغییرات اقلیمی، مرز نمی‌شناسد. طوفان‌های گرد و غبار، خشکسالی و افزایش دما، اکوسیستم‌های مشترک را تهدید می‌کنند. به همین گونه، افراط گرایی و بحران‌های انسانی نیز در چارچوب مرزهای ملی قابل مهار نیستند. مواجهه با این چالش‌ها مستلزم هماهنگی فراملی است؛ از سامانه‌های هشدار زودهنگام مشترک گرفته تا پروتکل‌های منطقه‌ای برای امداد انسانی.

«امنیت انسانی» باید به سنگ بنای هر معماری آینده‌نگر منطقه‌ای تبدیل شود؛ به این معنا که آموزش، سلامت، پایداری زیست محیطی و فرصت‌های اقتصادی عادلانه، هم‌سنگ و با مؤلفه‌های سنتی امنیت، در اولویت قرار گیرند.

رژیم صهیونیستی نمی‌تواند در هیچ چارچوب پایدار امنیتی منطقه‌ای جای داشته باشد

در مسیر ترسیم واقعیتی نوین برای منطقه، پرداختن به موانع ساختاری که همچنان پیشرفت را تضعیف می‌کنند، ضرورتی انکارناپذیر است. هر ارزیابی صادقانه‌ای از ثبات منطقه‌ای ناگزیر از توجه به نقش بی‌ثبات‌کننده رژیم اسرائیل است. رویکرد این رژیم در منطقه، آن را به معترضی دائمی بدل کرده است؛ بازیگری که به طور ساختاری و مستمر با هرگونه ابتکار جهت امنیت جمعی و خلع سلاح مخالفت می‌ورزد.

برنامه تسلیحات هسته‌ای آن، که بر مبنای دکترین «ابهام عامدانه» تعریف شده، هنجارهای جهانی عدم اشاعه را تضعیف کرده و در تعارض با هدف مشترک ایجاد خاورمیانه‌ای عاری از سلاح هسته‌ای قرار دارد؛ در حالی که تمام کشورهای دیگر منطقه به معاهداتی چون پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی و کنوانسیون سلاح‌های بیولوژیک پیوسته و به تعهدات خود پایبند بوده‌اند، رژیم اسرائیل آشکارا خارج از این چارچوب‌ها باقی مانده و با اتکای راهبردی به متحدان غربی از هرگونه پاسخگویی مصون مانده است. این الگوی نفی‌گرایی، همچنان مانع پیشرفت واقعی در مسیر امنیت منطقه‌ای و کنترل تسلیحات بین‌المللی است.

علاوه بر این، سیر تاریخی رژیم اسرائیل بیانگر الگویی مستمر از اشغال، آوارگی اجباری، تجاوزگری و نقض نظام‌مند حقوق بین‌الملل است. از نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت، محاصره دائمی غزه و گسترش شهرک‌سازی‌های غیرقانونی در کرانه باختری تا تجاوزهای پی‌درپی به لبنان و نقش آن در اشغال بی‌ثبات‌سازی سوریه، می‌توان دریافت که راهبرد این رژیم بر پایه مصونیت از مجازات و بی‌کیفرمانی مژمن استوار است.

جامعه جهانی باید با این واقعیت روبه‌رو شود: رژیمی که به طور سیستماتیک حقوق بین‌الملل را نقض می‌کند، به نظامی‌گری افسارگسیخته متوسل می‌شود و از مصونیت عملی برخوردار است، نمی‌تواند در هیچ چارچوب پایدار امنیتی منطقه‌ای جای داشته باشد.

رویکرد ایران نقشه‌راهی برای تاب‌آوری آینده است

در پایان، آینده غرب آسیا در پایتخت‌های خارجی رقم نخواهد خورد بلکه به دست ملت‌های این منطقه، از طریق چارچوب‌هایی که بازتاب دهنده تاریخ، فرهنگ و اراده جمعی آنان باشد، نوشته خواهد شد. اگر قرار است منطقه از چرخه‌های تکراری واگرایی رهایی یابد، دهه پیش رو باید بر نهادسازی، همکاری فرامرزی و حکمرانی فراگیر تمرکز داشته باشد.

رویکرد ایران، هم نقدی است بر ناکامی‌های گذشته و هم نقشه‌راهی برای تاب‌آوری آینده. این چشم‌انداز، کشورهای منطقه را فرا می‌خواند تا از دیپلماسی واکنشی به شراکت فعال گذار کنند و از الگوهای تحمیلی خارجی به راه‌حل‌های بومی و انعطاف‌پذیر روی آورند همچنین از بازیگران جهانی دعوت می‌کند نه در مقام ناظر و ناظر بالادست، بلکه به عنوان شریک‌انی محترم و برابر وارد تعامل شوند.

برای تحقق این چشم‌انداز، غرب آسیا باید به پارادایمی پایبند شود که در آن امنیت امری مشترک، حاکمیت متقابل و صلح حاصل‌کنش جمعی باشد. تنها در چنین چارچوبی است که منطقه می‌تواند از منازعه عبور کرده و به آینده‌ای گام نهد که نه بر سلطه بلکه بر کرامت، همبستگی و صلح پایدار استوار است.